

مقاله پژوهشی: عوامل مؤثر بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست

خاورمیانه‌ای روسیه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷)

[20.1001.1.24234621.1400.11.43.13.0](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1400.11.43.13.0)

رضا کوچک‌زاده تهمتن^۱؛ دکتر مهناز گودرزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۷

چکیده

روسیه به‌عنوان وزنه‌ای بین‌المللی سعی در احیای قدرت خود دارد و خاورمیانه می‌تواند این فرصت را در اختیار روسیه بعد از فروپاشی شوروی قرار دهد. در این میان ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مؤثر منطقه، نقطه قابل اتکای این توازن برای روسیه است. تحقیق حاضر به دنبال پاسخ این پرسش است که عوامل مؤثر بر جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه چیست؟ بر اساس فرضیه پژوهش سه مؤلفه افراط‌گرایی و تروریسم (تهدیدات منطقه‌ای)، گسترش حوزه نفوذ غرب (تهدیدات بیرونی) و موازنه‌سازی قدرت در خاورمیانه، موجب تقویت همکاری‌های تهران و مسکو در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق، کتابخانه‌ای و یافته‌های تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که با توجه به نیاز روسیه به همکاری با ایران در مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش حوزه نفوذ غرب در خاورمیانه به همراه موازنه‌سازی قدرت در این منطقه، روسیه، ایران را به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای به رسمیت شناخته و در چهارچوب هم‌افزایی راهبردی اقدام به تعمیق روابط همه‌جانبه به‌ویژه در حوزه منافع مشترک راهبردی و ژئوپلیتیک نموده است.

کلید واژه‌ها: روسیه، ایران، سوریه، خاورمیانه، تروریسم.

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه ابتدا باید در چهارچوب سیاست‌های کلان روسیه در حوزه منطقه خاورمیانه و به دنبال آن ایران به‌عنوان یکی از کشورهای کانونی و مؤثر در این منطقه مورد توجه قرار گیرد. سیاست روسیه یعنی «حمایت از شریک راهبردی و تأکید روسیه بر سیاست عمل در جهان چندقطبی و دوری از تک‌قطبی بودن جهان» در سند تدبیر سیاست خارجی این کشور در جولای ۲۰۰۸ در اولویت اهداف این کشور قرار گرفته است و در اسناد بعدی (۲۰۱۶) نیز مجدد مورد تأکید قرار گرفته است. طبق این دکترین، منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی پس از کشورهای مشترک‌المنافع، اتحادیه اروپا، آمریکا و شرق آسیا در اولویت پنجم اهمیت برای روس‌ها قرار دارند (کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۳) و بر همین اساس ثبات منطقه خاورمیانه و از جمله ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های ثبات‌ساز منطقه‌ای در کنار اهداف راهبردی روسیه در رقابت با قدرت‌های بزرگ که خواهان بازگشت به جایگاه قبلی خود در دوران اتحاد شوروی است، بسیار حائز اهمیت است (گودرزی، ۱۳۹۱: ۳).

خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی بود که مسکو، به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، توجه زیادی به آن داشت. تردد بالای دیپلماتیک میان مقامات خاورمیانه‌ای به مسکو و برعکس، به‌خوبی بیانگر بروز نوعی تحرک و پویایی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و متفاوت از دهه‌های گذشته می‌باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۳).

از طرف دیگر بی‌ثبات‌سازی عمومی منطقه خاورمیانه متعاقب بهار عربی، تهدید اخیر از دست رفتن سوریه (متحد اصلی تهران در منطقه خاورمیانه)، همچنین ظهور دشمنان جدید در خاورمیانه (برای مثال داعش)، نقشه خاورمیانه را به‌طور قابل توجهی نسبت به آنچه پس از سال ۲۰۰۳ (پس از سقوط صدام حسین توسط نیروهای آمریکایی) برای تهران مأنوس‌تر می‌نمود، تغییر داده است (کوژانف، ۱۳۹۶: ۳). تحولات نوین خاورمیانه در فضای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ به‌خصوص از آغاز خیزش‌های مردمی در منطقه موسوم به بهار عربی (۲۰۱۱)، مواضع جدیدی را در روابط ایران و روسیه نشان داد. اینکه مواضع دو کشور با نزدیکی راهبردی به‌هم، زمینه را برای نوعی از هم‌پیمانی نوین در روابط دو کشور

شکل داد و همین عاملی بود که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و مؤثر در تحولات نوین خاورمیانه، به‌عنوان یک هم‌پیمان در سیاست خارجی روسیه مورد توجه قرار گیرد (هیس وود، ۲۰۱۷: ۳). در مقاله حاضر، با محوریت تحولات جدید منطقه خاورمیانه (بحران سوریه بعد از سال ۲۰۱۱ میلادی) جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه تحلیل خواهد شد.

مبانی نظری

نظریه واقع‌گرایی تدافعی، حاصل تحول در اندیشه‌های اولیه کنت والتس است. والتس در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل در تبیین نظریه نواقع‌گرایی (که به وجه تدافعی این نظریه شهرت دارد)، افزایش قدرت را در حد تضمین امنیت دانسته، اما برخلاف گذشتگان واقع‌گرای خود آن را در سطح بین‌المللی و کلان مطرح کرده نه سطح ملی و منطقه‌ای. [در کل] نظریه والتس که نظام بین‌الملل را به‌جای دولت در کانون تحلیل خود قرار داده، از فرایندهای خودیاری و اجتماعی شدن به‌عنوان شیوه‌هایی یاد کرده است که دولت‌ها دنبال می‌کنند تا با افزایش قدرت خود، نوعی توازن را در نظام مبتنی بر هرج و مرج و غیر قابل کنترل برقرار کنند (فیضی، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

واقع‌گرایی تدافعی هم مانند نواقع‌گرایی همان فرض‌های حداقلی ناظر بر انگیزه‌های دولت را مبنا قرار می‌دهد؛ اما واقع‌گرایی تدافعی معتقد است دولت‌ها در پی کسب امنیت در نظام اقتدارگریز بین‌المللی اند. واقع‌گرایی تدافعی توجه کمتری به ساختار نظام بین‌الملل و اثر آن بر سیاست خارجی دولت‌ها دارد و در مقابل بر سیاست داخلی دولت‌ها توجه بیشتری نشان می‌دهد. در چهارچوب این رویکرد نظری، تعارض‌های موجود در نظام بین‌الملل قابل کنترل بوده و واکنش به یک تهدید، الزاماً تهاجمی نخواهد بود؛ بلکه پاسخی بازدارنده برای ایجاد موازنه، بازداشتن رقیب و تأمین امنیت مطلوب است. مفروض اصلی واقع‌گرایی تدافعی این است که دولت‌ها به دنبال قدرت نیستند، بلکه به دنبال تأمین امنیت خودشان هستند؛ در نتیجه توسعه نفوذشان با قصد

قدرت‌طلبی نبوده بلکه ناشی از احساس ناامنی است. بر همین مبنا، واکنش‌های سخت به شکل تعارض فقط هنگامی رخ می‌دهد که شرایطی امنیتی بسیار جدی شود. در این نظریه تأکید بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای «موازنه قدرت» است. والتس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی بر این باور است که آنچه در روابط میان دولت‌ها اهمیت دارد، برداشت آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هریک از آن‌ها. دولت‌ها در مقابل آن گروه از دولت‌هایی اقدام به موازنه می‌کنند که تهدیدی فوری برای موجودیت یا منافع آن‌ها باشند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

بر اساس نظر والتس، هرگونه اقدام نظامی و امنیتی نمی‌تواند انعکاس اراده کشورها تلقی شود. به بیان دیگر، هرگونه همکاری یا تعارض بین کشورها تابعی از فضای بین‌المللی می‌باشد. به این ترتیب، تعامل بین کشورها ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد، اما باید تأکید کرد این امر در ترکیب با مؤلفه‌هایی قرار می‌گیرد که مستقل از مقاصد و نیت کشورهای مورد نظر می‌باشد. این امر تابعی از محیط راهبردی است که کشورها در آن رفتار یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگرچه چگونگی قدرت بین بازیگران و نقش‌آفرینی آنان در این ارتباط تعیین‌کننده است (التس، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

ایجاد اتحاد و ائتلاف در نظام بین‌الملل امری شایع است و حتی پیش از شکل‌گیری نظام دولت‌های مدرن در وستفالی، بازیگران موجود به برقراری اتحاد و ائتلاف با یکدیگر اقدام می‌کردند. ویژگی‌های مختلف نظام بین‌الملل، از جمله کمبود منابع و ابزارها، ضعف بازیگران، جذابیت آن‌ها، منافع مشترک، تهدیدات مشترک و... از جمله عواملی هستند که به واسطه آن‌ها دولت‌ها وارد یک اتحاد می‌شوند. همین ویژگی‌ها نیز مشخص می‌کند که آیا این اتحاد یک اتحاد بلندمدت خواهد بود یا اتحادی کوتاه‌مدت و گذرا که با به پایان رسیدن موضوع همکاری، اتحاد نیز به پایان خواهد رسید. از دیدگاه استفان والت «آنچه اتحاد نامیده می‌شود، تعهدی رسمی یا غیررسمی برای همکاری امنیتی بین دو یا چند کشور است. همچنین، حمایت متقابل نظامی علیه یک

بازیگر خارجی نیز به عنوان اتحاد تعریف می‌شود... یک اتحاد ممکن است دفاعی یا تهاجمی باشد» (والت، ۱۹۹۷: ۱۵۷).

ایده موازنه تهدید از استفان والت است. او برخلاف نظریات پذیرفته‌شده، بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا، بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی تحت عنوان توازن قوا مطرح بوده، در عرصه عملی توازن تهدید بوده است. مطالعات انجام‌شده توسط والت نشان می‌دهد که کشورها نه در مقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند. بر این اساس، تأکید استفان والت بر اهمیت «موازنه تهدید» به جای موازنه قدرت است. تهدید در نگاه والت عبارت است از: ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. پس صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم‌اند. به عبارت دیگر آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است، برداشت آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هریک از آن‌ها. از سویی دیگر امنیت در شرایطی در نظام افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد و ایدئولوژی تأثیر زیادی نداشته باشد. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدید فوری نسبت به موجودیت یا منافع آن‌ها به حساب آیند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

والت عنوان می‌کند رفتار تجدیدنظرطلبانه و تجاوزکارانه محکوم به شکست است و «دولت‌های طرفدار وضع موجود می‌توانند نگاه به نسبت خوش‌بینانه‌ای به تهدیدها داشته باشند. در جهان برقراری توازن، بهترین سیاست‌ها آن‌هایی هستند که حاکی از خویش‌داری و خیرخواهی باشند» (المن، ۲۰۰۷: ۵۹). در جهت تکمیل این نظریه، استفان والت را باید نظریه‌پرداز «موازنه تهدید» در تنظیم پیمان‌های دفاعی دانست. وی بر این اعتقاد است که هرگونه ائتلاف و اتحادی نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای و همچنین احساس تهدید مشترک می‌باشد. شاخص‌های مربوط به پیمان دفاعی در برابر توازن تهدید را می‌توان به منزله «پیمانه‌ای عکس‌العملی» مورد توجه قرار داد. زیرا هرگاه بازیگری در صدد گسترش قالب‌های ایدئولوژیک یا رهیافت‌های معطوف به تغییر وضع موجود باشد، در آن

شرایط زمینه برای پیمان‌های عکس‌العملی در چهارچوب موازنه تهدید حاصل می‌شود (والتس، ۱۹۸۷: ۲۶). در این رابطه، اراده سیاسی کشورهای منطقه‌ای به تنهایی نمی‌تواند عامل گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی محسوب شود، بلکه باید آن را در چهارچوب فضای بین‌المللی گسترده‌تری مورد توجه و تحلیل قرار داد.

بنابراین می‌توان عنوان نمود که واقع‌گرایی تدافعی که در مقابل واقع‌گرایی تهاجمی مطرح شد، با ارائه تعریفی خاص از تهدید و امنیت، نگاه متفاوتی به مسئله قدرت و کاربرد آن دارد. در نگاه آن‌ها این برداشت دولت‌ها و رهبران آن‌ها از مقوله‌هایی همچون آناژشی و امنیت است که به رفتارهای آن‌ها شکل می‌دهد. از آنجایی که دولت‌ها آناژشی را خوش‌خیم می‌دانند (برخلاف تهاجمی‌ها) بنابراین در برابر سایر دولت‌ها رویکردی تهاجمی اتخاذ نخواهند کرد. رویکردهای تهاجمی و تدافعی دو تفاوت عمده دارند: نخست؛ آنکه دولت تهاجمی امنیت را در کاهش عامدانه امنیت سایر کشورها جست‌وجو می‌کند؛ درحالی‌که دولت تدافعی این‌گونه عمل نمی‌کند. دوم؛ اینکه دولت‌های تهاجمی امنیت یکدیگر را به صورت متعمدانه تهدید می‌کنند، درحالی‌که دولت‌های تدافعی به صورت عمدی امنیت یکدیگر را تهدید نمی‌کنند (شیپینگ، ۲۰۰۸: ۱۵۰). واقع‌گرایان تدافعی با توسل به مفهوم امنیت مدعی‌اند که اقدامات تدافعی اغلب به خطا همچون رفتاری تجاوزطلبانه تعبیر می‌شود. دولت‌هایی که از توانایی جدید و بالقوه دیگران احساس تهدید می‌کنند، با اتخاذ تدابیر نظامی از خود واکنش نشان می‌دهند (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۸).

سیاست خارجی روسیه برخلاف آنچه که تصور می‌شود، تهاجمی نیست، بلکه نوعی دفاع در برابر تهدیداتی است که از سوی غرب و ناتو احساس می‌کند، چراکه بر اساس این رویکرد، کشورها زمانی سعی می‌کنند منافع سیاسی خود را در خارج گسترش دهند که تصمیم‌گیرندگان داخلی، افزایش تهدیدات را ملاحظه کنند. آیین نظامی روسیه نیز در سال ۲۰۱۴ در پاسخ به یک تهدید خارجی و با تأکید بر بازدارندگی شکل گرفته است که مبتنی بر دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی می‌باشد.

از دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی آنچه رفتار خارجی ایران را شکل می‌دهد، پیشرفت همه-جانبه ایران برای تأمین امنیت بیشتر نیست؛ زیرا افزایش قدرت ایران امنیت بیشتری را برای آن به دنبال نخواهد داشت. آنچه نقش تعیین‌کننده در سیاست خارجی و امنیتی دارد، وجود تهدید و برداشت ایران از این تهدید است. وجود تهدید برای ایران باعث شکل‌گیری موازنه و اتحاد ایران با کشورهای است که منبع تهدید آن‌ها مشترک است. شکل‌گیری بحران سوریه در سال‌های اخیر نیز موجب همگرایی و اتحاد بیشتر دو کشور ایران و روسیه شده است، زیرا این بحران تهدیدی مشترک علیه امنیت هر دو کشور محسوب می‌شود.

از آنجا که واقع‌گرایی تدافعی هدایت سیاست خارجی کشورها را پاسخی به تهدیدهای خارجی می‌داند، سیاست خارجی تهران - مسکو در طی بحران سوریه با نظریه واقع‌گرایی تدافعی مطابقت دارد. در واقع در این تحقیق به عواملی که موجب پدید آمدن ادراک تهدید مشترک ایران و روسیه از مؤلفه‌های تروریسم و افراط‌گرایی، گسترش حوزه نفوذ غرب و موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه خاورمیانه شده است، می‌پردازیم تا در نتیجه آگاهی از این عوامل به نزدیکی بیشتر تهران و مسکو به یکدیگر و افزایش جایگاه ایران در سیاست خارجی منطقه‌ای روسیه بر اساس چهارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی پی ببریم. بر اساس این چهارچوب نظری، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر، قاعده اصلی رفتار آن‌ها در سیاست خارجی شان است. بر اساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌شوند؛ بنابراین در مطالعه اتحادها باید دنبال دشمنی مشترک گشت.

با توجه به نظریه واقع‌گرایی تدافعی و مفروض‌های آن می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی گسترش روابط و افزایش جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه، ناشی از احساس تهدید مشترکی است که دو کشور به‌طور ویژه در سه حوزه گسترش تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه، گسترش حوزه نفوذ غرب و موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه خاورمیانه دارند. در نگاه دو کشور ایران و روسیه، این عوامل یک تهدید مشترک هستند. این عوامل منجر شده‌اند که بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی دو کشور ایران و

روسیه در برقراری موازنه در مقابله با این تهدیدها تلاش کنند. بنابر چهارچوب نظری مطرح شده، دولت‌ها در برابر هر قدرت و موضوعی موازنه ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه موازنه در برابر دولت‌ها و موضوعاتی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت یا دولت‌های ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد. موازنه‌سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی‌محور در شرایط تهدیدکننده و ناامن آنارشیک است. تجلی و نمود طبیعی راهبرد موازنه‌سازی، تأسیس اتحادها و تشکیل ائتلاف‌های نظامی و غیر نظامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. کشورها وقتی احساس کنند که امنیت و بقا در اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها بهتر و بیشتر از اقدام یک‌جانبه تأمین می‌شود، به این امر دست می‌زنند. تحت این شرایط، موازنه‌سازی در برابر یک تهدید مشترک خارجی، به‌عنوان منافع مشترک همه کشورها، همکاری آن‌ها در قالب تأسیس اتحاد و ائتلاف را برمی‌انگیزد (والت، ۱۹۸۷: ۲۶).

با توجه به مفروضه‌های واقع‌گرایی تدافعی، می‌توان استدلال کرد که سیاست خارجی روسیه و ایران در مناطق مختلف قفقاز، آسیای میانه و به‌طور ویژه تحولات اخیر منطقه خاورمیانه بر پایه ملاحظات ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی استوار بوده است؛ به عبارت دیگر، دو کشور بر اساس موازنه‌سازی درون‌گرا و برون‌گرا تلاش می‌کنند تا در چهارچوب ائتلاف در برابر قدرت‌ها و کشورها و موضوعات تهدیدکننده، توازن ایجاد کنند و از تهدیدات و خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کند، جلوگیری نمایند. به این ترتیب تهدیدات مشترکی چون تروریسم و افراط‌گرایی، گسترش حوزه نفوذ غرب و موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه خاورمیانه، ایران و روسیه را به سمت گسترش روابط سوق داده است.

بنابر دیدگاه والت دلیل ایجاد اتحاد ایران و روسیه را در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی و منطقه خاورمیانه می‌توان ناشی از سه عامل اساسی دانست: مهم‌ترین آن‌ها تهدیدهای خارجی می‌باشد که دلیل عمده تشکیل اتحاد بین ایران و روسیه می‌باشد. دلیل دوم موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه می‌باشد. در این روش علیه دولت قدرتمند یا دولت‌های قدرتمند منطقه متحد می‌شوند تا در مقابل آن‌ها توازن ایجاد کنند. دلیل سوم همان‌طور که والت اشاره می‌کند، این است که دولت‌ها علیه تهدید، اقدام به موازنه‌سازی

می‌کند. تهدید منطقه‌ای تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه خاورمیانه و خطر گسترش آن به مناطق قفقاز و آسیای مرکزی یکی از دلایل اصلی اتحاد ایران و روسیه می‌باشد.

بر اساس نگرش واقع‌گرایی تدافعی، سیاست خارجی روسیه را می‌توان در قبال خاورمیانه در قالب جایگزین نمودن نظم منطقه‌ای جدید صورت‌بندی نمود. نظمی که در آن با شکل‌گیری اتحاد راهبردی با جمهوری اسلامی ایران و احتمالاً ترکیه به شکل‌گیری کنسرت جدیدی از قدرت‌های منطقه‌ای خواهد انجامید. اتحاد و همکاری ایران و روسیه در برابر تهدیدهای مختلف منطقه‌ای و همچنین مسائل جهانی در چهارچوب این نظریه قابل بررسی است که هر دو کشور به چه سبب در زمان‌های مختلف با یکدیگر همکاری کرده‌اند. همچنین این مسئله که هر دو کشور در برقراری ارتباط با یکدیگر، از کدامیک از استراتژی‌های Balancing یا Bandwagoning بهره بردند، در درون چهارچوب نظری مطرح شده از سوی استفان والت قابل ارزیابی است. یکی از علت‌های انتخاب این نظریه این است که همکاری و رفتار دو کشور در طول زمان دچار دگرگونی شده و درگیر مسائل و ابعاد مختلفی بوده است. از این رو، تحلیل و بررسی روابط دو کشور نیازمند یک تئوری منعطف است که بتواند به سطوح داخلی و بین‌المللی توجه کند.

پیشینه‌شناسی تحقیق

در باب روابط خارجی روسیه با ایران تاکنون پژوهش‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده‌اند. بعد برجسته اکثر این پژوهش‌ها بی‌تفاوتی به جایگاه ایران در دکتین‌های حاکم بر سیاست خارجی فدراسیون روسیه بوده است. به عبارتی اکثر کارهای انجام‌شده به بررسی روابط دوجانبه دو کشور پرداخته‌اند و توجهی به جایگاه ایران از منظر دستگاه سیاست‌گذاری خارجی روسیه نداشته‌اند.

با دقت نظر در پژوهش‌ها و مطالعاتی که پیرامون بررسی روابط ایران و روسیه انجام گرفته است، می‌توان اظهار داشت که پژوهش حاضر با توجه به اینکه رویکرد خاورمیانه‌ای سیاست خارجی روسیه بعد از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین تاکنون را با توجه به جایگاه ایران در دکتین‌های حاکم بر آن مورد بررسی قرار داده است، موضوعی بدیع و جدید است.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، بنا به ضرورت موضوعی و روش پژوهش، شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع به منابع مکتوب مانند کتاب، مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد و به طور عمده در جمع‌آوری فاکت‌های^۱ مورد نیاز پژوهش از متون کتاب‌ها و مقالات معتبر بهره گرفته می‌شود.

بنا به ضرورت تحقیق، در تحلیل داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته خواهد شد. به این مضمون که بخشی از پژوهش در قالب توصیفات تاریخی و بازگو کردن وقایع و مناسبات خواهد بود و بخش دیگر، به تحلیل وقایع بر اساس مبانی نظری تحقیق اختصاص دارد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

محورهای همکاری ایران و روسیه در خاورمیانه

با حضور پوتین در رأس سیاست‌های روسیه از سال ۲۰۰۰ میلادی، اراده این کشور در ایجاد سیاست خارجی مستقل با ابعادی جهانی برای روسیه جدی‌تر از همیشه دنبال شده است. این رویکرد پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، ابعاد جدی به خود گرفت و سعی کرد خود را به‌عنوان یک وزنه قابل توجه در سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای به اثبات برساند که نمونه مؤثر آن موضع‌گیری‌های روسیه در قبال تحولات بهار عربی و به‌ویژه بحران سوریه بوده است. به‌طور کلی تحولات کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه به‌ویژه کشور سوریه برای روسیه از چند جهت دارای اهمیت راهبردی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- تهدید منافع اقتصادی و تجاری روسیه؛ تحولات خاورمیانه؛
- پایگاه نظامی دریایی روسیه در سواحل غرب سوریه در بندر طرطوس؛
- هم‌جواری ژئوپلیتیک خاورمیانه و روسیه؛

- پیوستگی هویتی (دینی) خاورمیانه با مسلمانان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز؛

- فراهم شدن زمینه برای دخالت کشورهای غربی؛

از سپتامبر ۲۰۱۵ که پوتین به‌طور رسمی برای مبارزه با تروریسم در بحران سوریه حضور یافت، ایران متحد اصلی‌اش در این مسیر بود؛ هر دو یک تهدید مشترک به‌نام تروریسم و یک رقیب در تحولات منطقه به‌نام آمریکا داشتند. عواملی که باعث شدند تا ایران و روسیه همکاری بی‌سابقه‌ای را در تحولات خاورمیانه تجربه کنند (مارگلو، ۲۰۱۳: ۷). افزایش نقش ایران در خاورمیانه که از جمله دستاوردهای بهار عربی بود و شکل جدیدی به روابط کشورهای فعال در عرصه سیاسی منطقه داد؛ نزدیکی ایران و روسیه را گریزناپذیر کرد. در واقع روسیه پس از ناآرام شدن سوریه و آغاز جنگ در لیبی احساس می‌کرد در حال از دست دادن کامل جای پای خود در منطقه است و این تنها ایران است که می‌تواند مجرای برای بازگشت دوباره مسکو به معادلات منطقه‌ای باشد (برشچفسکایا، ۲۰۱۶: ۱۷).

مسئله سوریه برای نخستین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه قرار داد. به‌رغم آنکه طی این مدت هم ایران تلاش کرده است تا به نیروی زمینی روسیه تبدیل نشود و هم روسیه تلاش کرده است تا نقش نیروی هوایی ایران را بازی نکند، اما دو کشور از طریق تقسیم وظایف تاکنون توانسته‌اند مانع از دستیابی مخالفان دولت اسد به اهداف خود در این کشور بشوند (شوری، ۱۳۹۴: ۱۴). به‌طور کلی، ماهیت فعالیت‌های ایران و روسیه را در دو بُعد سیاسی و نظامی در خصوص تحولات سوریه باید در این جمله خلاصه کرد که مسکو و تهران تلاش دارند با باطل کردن طرح آمریکا در منطقه چهره سیاسی و نظامی جهان را تغییر و معادله جدیدی را ارائه دهند که در آن موازنه قوا بر اساس شکل جدید عرصه بین‌المللی شکل گرفته است (نجات، ۱۳۹۶: ۴۸).

ایران بر این باور است که اگر نظام سوریه بخواهد تغییر کند، ایران متحد راهبردی خود را در بخش غربی آسیا از دست می‌دهد. به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه، به معنی

افزایش حلقه‌ای دیگر به زنجیره رقبای منطقه‌ای ایران و از دست رفتن یک هم‌پیمان استراتژیک منطقه‌ای قلمداد می‌شود (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۴۴). موضوعی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی و تضعیف جبهه مقاومت و همچنین تغییر موازنه قوا به نفع آمریکا و به زیان جمهوری اسلامی ایران که بدون شک قدرت اول منطقه‌ای در خاورمیانه و مهم‌ترین چالشگر ایالات متحده در منطقه می‌باشد، ایفا نماید (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۴: ۱۲۹). هدف غرب از براندازی دولت اسد در مقیاس جهانی توسعه هژمونی خود در برابر باقی‌مانده بلوک شرق و در مقیاس منطقه‌ای مقابله با ژئوپلیتیک رو به رشد ایران است (اشرفی و بابازاده، ۱۳۹۴: ۴۶). مهم‌ترین بسترهایی که در تقویت همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه نقش آفرینند، یکی به توان بالای کنشگری ایران در کشورهای سوریه، عراق و لبنان مربوط است و عامل دیگر مربوط به بهار عربی و روی کار آمدن حکومت‌های متمایل به غرب است که در تعارض با منافع روسیه و ایران قرار دارند (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۷). در همین ارتباط از مهم‌ترین بسترهای تحقق ائتلاف ایران و روسیه می‌توان به همسویی مواضع دو کشور در قبال بحران سوریه، مقابله مشترک با بنیادگرایی مذهبی، تروریسم و گروه‌های تروریستی اشاره کرد (مقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۸). اشتراک‌های میان سیاست ایران و روسیه در ارتباط با تحولات سوریه را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- از دیدگاه ایران، سوریه خط مقدم جبهه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی است و اگر دولتی غرب‌گرا در سوریه بر سر کار آید، به نفع ایران و جبهه مقاومت نخواهد بود. از نگاه روسیه این بعد موضوع که نباید در سوریه با مداخله غرب حکومتی طرفدار آمریکا در دمشق به قدرت برسد، با نگاه ایران نزدیک است؛ اما درباره بُعد ضد صهیونیستی بودن آن و حمایت از مقاومت، مسکو دیدگاه متفاوتی دارد؛
- هم ایران و هم روسیه از انجام اصلاحات در ساختار نظام سیاسی کنونی سوریه با هدف ایفای نقش گسترده‌تر مردم سوریه برای تعیین سرنوشتشان حمایت می‌کنند.
- روسیه و ایران با دخالت‌های سایر کشورها در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد به شدت مخالف هستند.

- روسیه و ایران از طرح سازمان ملل حمایت می‌کنند، اما در عین حال درباره عملکرد نیروهای ناظر صلح و گرایش‌های نفوذی بین آن‌ها نگران هستند؛
- روسیه و ایران با به قدرت رسیدن گروه‌های اسلامی تندروی وهابی که با عربستان ارتباط نزدیک دارند، مخالف هستند (محسنی و دیگران^۱، ۲۰۱۵: ۱۳).

با این حال، مسکو و تهران با تهدیدهای مشترک مواجه هستند و برای رفع آن‌ها نیز امکاناتی دارند و در صورت هماهنگی میان منافع ملی‌شان این مسئله می‌تواند دو کشور را به سمت همکاری‌های استراتژیک سوق دهد (یوسف^۲، ۱۳۹۶: ۳).

رهبران روسیه و ایران بر این عقیده هستند که حفظ دولت اسد تنها پس از یکپارچه کردن تلاش‌ها و کنار گذاشتن موقت ضلع دوم مسئله که همان اختلافات می‌باشد، ممکن خواهد شد. در نتیجه «ازدواج مصلحتی» میان دو کشور به وجود آمد که در عین زندگی مشترک، هریک از طرفین اهداف خود را دنبال می‌نماید (کوژائف، ۲۰۱۷: ۳).

بنیان ائتلاف ایران و روسیه حفظ نظام سیاسی مستقر در سوریه و از بین بردن داعش است و تا زمانی که این اشتراک تداوم داشته باشد، ائتلاف نیز تداوم خواهد یافت. از دیگر سو اگر سیاست‌های هریک از دو کشور نسبت به این دو موضوع تغییر کند، یا اینکه جنگ داخلی سوریه به سود نظام سیاسی این کشور حل و فصل شود، ائتلاف دچار فروپاشی خواهد شد (کرمی، ۱۳۹۶: ۳).

در مجموع با معادلات فوق می‌توان گفت که نخست، ماهیت روابط ایران و روسیه در حال تغییر است و دو طرف به‌نوعی بر اهمیت توسعه یک روابط راهبردی برای تأمین منافع مشترک ژئوپلیتیک واقف شده و قدم‌های جدی هم در این زمینه برداشته‌اند. دوم، این تغییر در روابط در آغاز مسیر خود است و باید نهادینه شود. سوم، این تحول جدید برای ایران یک فرصت است، چون بر اهمیت ژئوپلیتیک آن در نزد غربی‌ها و متحدین منطقه‌ای‌اش می‌افزاید. چهارم و مهم‌تر از همه اینکه ایران باید از این فرصت در جهت تقویت نقش مستقل خود و ایجاد تعادل در روابط منطقه‌ای و معادلات جهانی استفاده

کند(برزگر، ۱۳۹۴: ۳). هرچند مسکو نشان داده که منافع ایران را در نظر می‌گیرد و در عمل نیز به خاطر نیاز به تهران نتوانسته و نمی‌تواند به این منافع بی‌تفاوت باشد، اما به‌طور طبیعی در طراحی‌های کلان و منطقه‌ای آن منافع خاص این کشور بر منافع تهران ارجحیت می‌یابد(نوری، ۱۳۹۶: ۳).

مهم‌ترین عواملی را که می‌توان در گسترش همگرایی بین ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار داد، توجه به مسائلی است که برای هر دو کشور چالش‌برانگیز است. در این راستا سه مؤلفه اصلی افراط‌گرایی و تروریسم (تهدیدات منطقه‌ای)، موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه خاورمیانه و گسترش حوزه نفوذ غرب (تهدیدات بیرونی)، موجب تقویت همکاری‌ها و اهمیت فزاینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ شده است.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

افراط‌گرایی و تروریسم (تهدیدات منطقه‌ای)

در دوران پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واشنگتن، بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی، به‌طور ویژه در صدر اخبار رسانه‌ها و مباحث سیاسی و دانشگاهی در غرب، خاورمیانه و همچنین اوراسیای پس از کمونیسم قرار گرفت. در این بین با آغاز بحران در سوریه، قدرت‌های غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن‌ها گام‌های خود را برای شعله‌ور کردن نزاع در این کشور به کار گرفتند و به هدایت و تجهیز گروه‌های تروریستی، به بهانه حمایت از مخالفان دولت اسد اقدام کردند. در این بین سهم کشورهای حاضر در منطقه اوراسیا از اعزام تروریست به سوریه نیز قابل توجه بود. هرچند تعداد داعشی‌هایی که به‌صورت بالقوه توان حضور از منطقه قفقاز را دارند، چندان زیاد نیست؛ اما آنچه داعش را خطرناک می‌کند، اندیشه داعشی است که از ورای مرزها گذشته و در محیط رنج‌دیده و آسیب‌دیده قفقاز گسترش می‌یابد و زمینه‌های اظهار نارضایتی مردم از دولت روسیه را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر اگرچه قفقاز شمالی ارتباط مستقیمی با ایران ندارد، ولی

ظهور و بروز اندیشه‌های تندرو و افراطی به‌ویژه از نوع سلفی، وهابی و داعشی آن، می‌تواند امنیت ملی ایران را تهدید کند (حسینی، ۱۳۹۴: ۳). حضور نیروهایی از کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، گواه این مطلب است که حوادث خاورمیانه با اوراسیا ارتباط تاریخی و تنگاتنگی داشته و تحولات این مناطق نسبت به هم سرایت داشته و از یکدیگر تأثیرپذیر خواهند بود (سنایی، ۱۳۹۵: ۳).

نکته قابل تأمل در این میان آن است که بحران سوریه نوعی تروریسم بین‌المللی را به وجود آورده است که ممکن است این تروریست‌های بین‌المللی و سازمان‌یافته، پس از سوریه راهی کشورهای خود یا منطقه‌ای دیگر شوند و در آنجا نیز آشوب به پا کنند. چنین امری از یک سو به خطری بالقوه برای روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مبدل شده و از سوی دیگر زمینه‌های همکاری روسیه با ایران را افزایش داده است (رأس، ۲۰۱۷: ۳). روسیه به دلیل همجواری جغرافیایی میان برخی از نقاط جنوبی کشور خود با منطقه خاورمیانه نگران رشد اسلام‌گرایی افراطی و همچنین تسری ناآرامی‌ها از خاورمیانه به حوزه اوراسیا می‌باشد (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

اگرچه آمار و ارقام دقیق و قابل استناد قطعی از تعداد گروندگان اتباع و جوانان آسیای مرکزی و قفقاز به جریان‌ها و سازمان‌های تروریستی و افراطی - تکفیری داعش و النصره در عراق و سوریه وجود ندارد، ولی بدون تردید از هر کدام از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز (قفقاز جنوبی و شمالی) صدها نفر در ترکیب این سازمان‌ها حضور دارند. در ابتدای ظهور و فعالیت میدانی داعش و النصره، بیش از نود درصد اعضای این گروه‌ها عرب‌تبار بودند ولی امروزه بنابر برخی اطلاعات میدانی که از سوی منابع مطلع ارائه می‌شود، ۵۰ درصد اعضا و ۶۰ درصد فرماندهان این گروه‌ها غیر عرب هستند و از اعضا و فرماندهان غیر عرب این سازمان‌های تروریستی نیز، ۸۰ درصد را اتباع جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز تشکیل می‌دهند (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۳).

تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی یک تهدید امنیتی برای روسیه به شمار می‌رود و مداخله این کشور در سوریه نیز به واسطه نیاز به نابود کردن گروه داعش و از بین بردن

تهدید آن برای امنیت ملی روسیه توجیه شده است (مازاروف^۱، ۲۰۱۶: ۵). کارشناسان امنیتی تخمین زده‌اند که بالغ بر چهار هزار نفر از اهالی جمهوری‌های آسیای مرکزی به عضویت گروه تروریستی داعش درآمده و در کشورهای عراق و سوریه مشغول به مبارزه و جنگ هستند. بر همین اساس، همسایگی روسیه با بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی باعث بروز ترس و نگرانی در این کشور شده است (رأس، ۲۰۱۷: ۳). در دوران جدید نیز که روسیه مبادرت به حمایت‌های نظامی مستقیم از دولت بشار اسد نموده، باید عامل مهمی چون حضور افراط‌گرایان سلفی چچنی و تاتارستانی در جنگ سوریه را در نظر گرفت که این طیف دارای بزرگ‌ترین پایگاه افراط‌گرایی در خاک روسیه می‌باشند و همواره به‌عنوان بزرگ‌ترین دغدغه امنیتی این کشور محسوب می‌شوند (زهرانی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۴: ۶۵). از طرف دیگر با توجه به آنکه روسیه خود می‌تواند از قربانیان افراط‌گرایی سلفی در خاک خود باشد، گسترش افراط‌گرایی در خاورمیانه را برخلاف منافع و امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. این مسئله می‌تواند هشدار جدی برای منافع روسیه در آسیای مرکزی و به‌ویژه قفقاز باشد (عسگریان و تجری، ۱۳۹۶: ۱۵۲). پوتین آشکارا نگرانی‌های خود را در مورد جنگجویان دولت اسلامی که به روسیه بازگشته‌اند، ابراز نمود. در گذشته نیز روسیه نگران تهدید رو به رشد مبارزان از دولت اسلامی بود که ظاهراً برنامه‌ریزی‌هایی را برای حمله به کشورهای آسیای مرکزی انجام داده بودند، اظهار کرده بود (ایریس^۲، ۲۰۱۷: ۳)؛ بنابراین روسیه ترجیح می‌دهد تا در فاصله بسیار دورتر از مرزهای خود با تروریسم بجنگد تا اینکه نبرد با آن‌ها را در درون سرزمین‌های خود تجربه کند (آنتوشین^۳، ۱۳۹۵: ۳) و تلاش می‌کند در ائتلاف با شرکای خود، هر جا که ممکن است، درصدد مقابله و مبارزه با گروه‌های تروریستی بین‌المللی برآمده که در بحران سوریه ریشه و شکل گرفته‌اند (دوبینز و ازویاگلاسکایا^۴، ۲۰۱۷: ۳)؛ بنابراین حضور نظامی روسیه در سوریه با وجود خطرات فراوانی که همراه دارد، منعکس‌کننده هراسی است که روس‌ها نسبت به منافع حیاتی خود احساس می‌کنند.

1. Mazurova
2. Iris
3. Anthoshin
4. Dobbins & Zvyagelskaya

جلوگیری از سرایت اندیشه‌های افراط‌گرایانه در کشور (با توجه به جمعیت قابل توجه مسلمانانی که در روسیه زندگی می‌کنند) از دیدگاه روس‌ها مهم‌ترین عامل تهدیدکننده منافع این کشور است (کازانتسف، ۲۰۱۷: ۳).

تروریسم و نقش آفرینی در ارتقای جایگاه ایران در سیاست منطقه‌ای روسیه

روس‌ها اعتقاد دارند که «ازجمله منافع روسیه، نه تنها حفظ روابط دوستانه کنونی با ایران بلکه عملی کردن آن‌ها در سطوح واقعی و تقویت یک رابطه شایسته مبتنی بر واقع‌گرایی در قرن بیست و یکم است» (ایوانوف و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۰-۲). از این رو دو عامل الف) عملکرد مناسب ایران در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی؛ ب) استفاده ابزاری آمریکا از گروه‌های افراطی اسلام‌گرا سبب اهمیت راهبردی ایران در سیاست خارجی روسیه شده است (نوری، ۱۳۹۵: ۳).

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که چند عامل کلیدی سبب شده تا روسیه ایران را متحد خود در مقابله با تروریسم بداند. اول؛ ایران نقش بسیار مهمی در مقابله با تروریسم ایفا نموده است که این نقش برای سیاست روسیه بسیار مهم تلقی می‌گردد، دوم؛ به‌رغم مدل حکومتی اسلامی در ایران، این کشور هیچ‌وقت همانند کشور عربستان در صدد ترویج اسلام‌گرایی نبوده و قرائت اسلامی - شیعی ایران بسیار دموکراتیک، معتدل و مبتنی بر صلح می‌باشد. سوم؛ تلاش ایران در دو منطقه استراتژیک خاورمیانه و آسیای مرکزی، روسیه را وادار به پذیرش ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای کارآمد نموده است. چهارم؛ مدل میانه‌رو اسلامی ایران می‌تواند وزنه تعادل‌بخشی در مقابل مدل افراطی اسلام‌گرایی عربستان در منطقه به حساب آید؛ بنابراین می‌توان گفت که این عوامل سبب نزدیکی ایران و روسیه و ارتقای جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه شده است.

گسترش حوزه نفوذ غرب (تهدیدات بیرونی)

پس از فروپاشی شوروی، آمریکا سعی کرد نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم در روابط ایران و روسیه حفظ کند. به نحوی که از سال ۱۹۹۴ میلادی به بعد، سیاست آمریکا بر کنترل هم‌زمان روسیه و ایران استوار شد. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که مجموعه متنوعی از علایق و منافع مشترک و همچنین منافع متعارض، روابط ایران و روسیه با آمریکا را به یکدیگر پیوند زده است. در این راستا روسیه به ایران به چشم یک بازیگر ضد هامون می‌نگرد که می‌تواند نقش مهمی در به چالش کشیدن منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه ایفا کند. بر این اساس تضاد منافع روسیه با آمریکا و تعارض‌طلبی ایران با آن باعث شده که جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه بهبود پیدا کند.

در عین حال آمریکا حداقل در دو زمینه باعث همگرایی ایران و روسیه شده است. نخست آنکه جمهوری اسلامی ایران و روسیه از تداوم موقعیت وضعیت فعلی بر نظام بین‌الملل به رهبری هژمونیک آمریکا در سطح جهانی ناخشنود هستند و دوم اینکه هر دو کشور نسبت به نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه نظر مساعدی ندارند. به طور مشخص یکی از اهداف مهم همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه در حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه، مقابله با سیاست‌هایی است که آمریکا در این مناطق دنبال می‌کند. ایران به‌عنوان بازیگری ضد هژمون نه‌تنها مانع نفوذگذاری غرب در نوار جنوبی مرزهای روسیه است، بلکه در خاورمیانه در مقابل غرب و متحدان منطقه‌ای آن و به طور خاص در عرصه میدانی سوریه نقش غیرقابل اغمازی در تحقق «بازدارندگی راهبردی» روسیه به عهده دارد (نوری، ۱۳۹۵: ۳).

در این راستا بحران سوریه یکی از مهم‌ترین نمونه‌های سیاست مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه در قبال توسعه‌طلبی و سلطه‌طلبی آمریکا محسوب می‌شود. این بحران با توجه به نقشی که آمریکا در آن ایفا می‌کند، باعث شد که جمهوری اسلامی ایران و روسیه برای اولین بار در خاورمیانه به همکاری‌های مشترک در حوزه نظامی و امنیتی پردازند. در واقع، جهت‌گیری مخالف آمریکا با منافع جمهوری اسلامی ایران و روسیه در خاورمیانه، زمینه همکاری مشترک تهران و مسکو را فراهم نمود. از این رو، می‌توان چنین

تبیین کرد که منافع استراتژیک مشترک در مهار نفوذ آمریکا در مناطق پیرامونی، جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در سیاست خارجی روسیه بهبود بخشیده است. هرچند برخی از کارشناسان معتقدند روسیه تردیدی در استفاده از رابطه خود با ایران به عنوان کارتی برای معامله با واشنگتن به منظور دستیابی به مصالحه‌ای دوجانبه برای کاهش تحریم‌های اقتصادی ناشی از جدایی کریمه از خاک اوکراین ندارد (ترم، ۲۰۱۷: ۳). ساختار نظام بین‌الملل همیشه اجازه دوستی‌ها و تداوم همکاری‌های راهبردی را به دولت‌ها نمی‌دهد؛ زیرا در یک نظام آنارشیک دولت‌ها همواره به دنبال منافع و افزایش قدرت خود هستند، از این رو همکاری‌ها تنها تا زمانی تداوم خواهد داشت که منافع ملی و مصالح قدرت ایجاب می‌کند. در روابط ایران و روسیه نیز این اصل حاکم است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

موازنه‌سازی و موازنه‌بخشی قدرت در منطقه خاورمیانه

تحولات منطقه خاورمیانه که منجر به تغییر نظام سیاسی در چند کشور منطقه شده، نه تنها جهان عرب را به لرزه درآورد، بلکه سایر کشورها را نیز در خصوص پیامدهای آن بیمناک کرد. روسیه به خوبی درک می‌کند که این تحولات، سرآغاز دگرگونی‌های سیاسی در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه هستند. به همین دلیل نیز روسیه در گذار از «غافلگیری»، «اختلاف نظر»، «عدم شفافیت» و «انفعال» که مشخصه‌های نخست سیاست خارجی این کشور در قبال تحولات خاورمیانه بود، به تدریج خود را با شرایط جدید وفق داد و از نظاره‌گری، به بازیگری فعال روی آورد. در این بین ایران از اهمیت زیادی برای روسیه به منظور ایجاد موازنه قوا در منطقه خاورمیانه برخوردار است؛ زیرا تعارض منافع و اهداف ایران با کشورهای هم‌چون عربستان سعودی و ترکیه می‌تواند بلندپروازی‌های منطقه‌ای این کشورها را تا حد زیادی کنترل کند.

سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه بر اساس اصل توازن بین دولت‌های خاورمیانه بنا شده است تا جایی که کشورهای خاورمیانه حداقل سطح کمی از علاقه‌مندی برای گفت‌وگو با مسکو را نگه دارند. به همین دلیل برای مسکو، هم‌پیمان شدن کامل با

تهران در سوریه، صلاح و مقرون به صرفه نیست (کوژانف، ۲۰۱۷: ۳). روس‌ها این مسئله را می‌پذیرند که ایران باید بخشی از حل و فصل بحران سوریه در کنار دیگر بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان سعودی باشد (ترنین^۱، ۲۰۱۷: ۳). به گفته مارک کاتز، در شرایط پیچیده منطقه چنانچه ایران بر مواضع خود در خصوص سوریه پافشاری کند، ممکن است روس‌ها در نهایت ترجیح دهند جانب ایران و دولت سوریه را بگیرند و دفاع از رژیم صهیونیستی را به آمریکا محول کنند و البته این امر مغایرتی با سیاست روسیه در خاورمیانه ندارد؛ زیرا در نهایت رژیم صهیونیستی از این طریق تلاش خواهد کرد روسیه را به تعدیل رفتار ایران در خاورمیانه وادار کند (کاتز^۲، ۲۰۱۷: ۳).

روسیه شاید مایل نباشد تا مانند تهران علیه منافع گروه‌های مورد حمایت عربستان عمل کند. هرچند ممکن است کرملین قادر به جلوگیری از درگیری فرقه‌ای میان تهران و ریاض نباشد (مکنی^۳، ۲۰۱۵: ۳). ایران باید با تعداد زیادی کشورهای غیردوست از جمله عربستان، رژیم صهیونیستی و رقیب تاریخی‌اش ترکیه معامله کند؛ ضمن اینکه تهدیدات از سوی آمریکا نیز وجود دارد؛ بنابراین در شرایط وخیم، ایران می‌داند که باید متحدانی را جست‌وجو کند و در این مورد روسیه واضح‌ترین انتخاب است (میچایف^۴، ۲۰۱۷: ۳). روسیه کماکان به دنبال منافع خود در خاورمیانه خواهد بود که این امر مستلزم حفظ روابط کارآمد با تمام بازیگران بزرگ از جمله ایران است.

در ظاهر، مداخله روسیه در سوریه در حقیقت سبب حمایت از سیاست ایران در حفظ عناصر شیعه در سوریه شده است؛ اما نگاهی عمیق‌تر به این موضوع نشان می‌دهد هدف روسیه الزاماً روی کار ماندن نامحدود رژیم اسد در سوریه نیست. این مانوری کلاسیک برای ایجاد توازن قدرت با هدف دفع تهدید ناشی از تروریست‌های سنی از مرزهای جنوبی روسیه محسوب می‌شود (کیسینجر^۵، ۲۰۱۵: ۳). روسیه سعی دارد تا به‌عنوان بازیگری جدید در روند تعادل قدرت خاورمیانه ظاهر شود و به نظر می‌رسد فروش سیستم دفاعی

-
1. Trenin
 2. Katz
 3. Mcnerney
 4. Mikheev
 5. Kissinger

بهرتر به ترکیه و عربستان (اس ۴۰۰) نسبت به ایران (اس ۳۰۰) با الگوی تلاش‌های این کشور برای تأثیرگذاری بر منطقه سازگار باشد.

هنری کسینجر می‌گوید: «صلح تنها می‌تواند با هژمونی یا با تعادل قدرت به دست آید»؛ به عبارت دیگر، قدرت‌هایی که نمی‌توانند هژمونی را تمرین کنند، تلاش می‌کنند تا تعادل را حفظ کنند. اکنون نیز روسیه نمی‌تواند جایگزینی برای هژمونی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه باشد، بنابراین به دنبال تلاش برای تأمین توازن در منطقه است (تقوایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۳). روسیه موافق ظهور یک قدرت برتر (هژمون) در منطقه خاورمیانه نیست؛ چون چنین قدرتی می‌تواند منافع روس‌ها را هم در خارومیانه به چالش بکشد؛ بنابراین سیاست روسیه در خاورمیانه تقویت یک بازیگر در مقابل دیگری نیست، بلکه حفظ تعادل در روابط با کشورهای منطقه و موازنه میان بازیگران مختلف است؛ تا هیچ‌کدام نتوانند به موقعیت برتر دست یابند (شاپوری، ۱۳۹۶: ۳).

برای مسکو - واشنگتن ایجاد و برقراری شرایط منجر به توازن میان قدرت‌های خاورمیانه یک اصل استراتژیک بوده و خواهد بود. دو کشور در خاورمیانه فارغ از اهداف خود به دنبال برقراری توازن استراتژیک در خاورمیانه هستند (ملکی، ۱۳۹۶: ۳). آنچه مسلم است روسیه همانند آمریکا معتقد به ضرورت وجود توازن بین قدرت‌های خاورمیانه است، به گونه‌ای که هیچ‌یک از آن‌ها به نحو «غیرمحاسبه شده‌ای» قدرتمند نشوند که بتوانند بر موازنه منطقه‌ای اثر منفی بگذارند. در معادله روسی تقویت قدرت متحدان غرب سبب خدشه به منافع ژئوپولیتیکی آن خواهد شد و در مقابل، کمک غیرمحاسبه شده به تقویت قدرت شرکای خود از جمله ایران به روابط سیاسی و اقتصادی آن با اعراب، رژیم صهیونیستی و ترکیه لطمه خواهد زد. روسیه درصدد ایجاد و حفظ روابط با تقریباً همه بازیگران دولتی و غیردولتی در خاورمیانه است (اسلادن و دیگران، ۲۰۱۷: ۳).

نتیجه‌گیری

استفان والت، نظریه پرداز «موازنه تهدید» در تنظیم پیمان‌های دفاعی، بر این اعتقاد است که هرگونه ائتلاف و اتحادی نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای و همچنین احساس تهدید

مشترک می‌باشد. در این راستا، راهبرد کشورها برای مقابله با تلاش و اقدام رقبا برای افزایش قدرتشان موازنه‌سازی است. به عقیده والت، هرگاه دولت‌ها احساس کنند موجودیت یا منافع آن‌ها را سایر دولت‌ها با تهدید فوری روبه‌رو می‌کنند، با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آن‌ها می‌پردازند.

در این میان اگرچه روابط ایران و روسیه تا تبدیل شدن به یک روابط راهبردی راهی به نسبت طولانی و ناهموار در پیش دارد، اما سه عامل عمده موجب بهبود جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه شده است:

تروریسم و افراط‌گرایی

وجود تهدیدهای مشترک امنیتی همچون افراط‌گرایی و تروریسم به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، یکی از عوامل گسترش همکاری میان تهران و مسکو به شمار می‌آید. از این منظر می‌توان گروه‌های افراطی و تروریستی و همچنین حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها را عامل پیشران در بهبود جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه محسوب نمود. وجود تهدیدهای تروریستی از یک سو و نقشی که ایران در زدودن این تهدیدها در منطقه ایفا می‌کند از سوی دیگر، موجب بهبود جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه شده است.

مقابله با سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا

ایران و روسیه از تداوم موقعیت و وضعیت فعلی حاکم بر نظام بین‌الملل که در آن آمریکا داعیه‌دار رهبری هژمونیک در سطح جهانی است، ناخشنود هستند. علاوه بر این، ایران و روسیه هریک به نحوی داعیه‌دار هژمونی بر مناطق پیرامونی خود هستند و از این حیث در تضاد و تعارض با هژمونی جهانی آمریکا قرار می‌گیرند. از این رو حضور آمریکا در مناطق پیرامونی ایران و روسیه می‌تواند موضعی یکسان را برای هر دو کشور به وجود آورد و آن هم تعارض با آمریکا بر سر تعیین حوزه نفوذ می‌باشد.

موازنه قوا در خاورمیانه

روسیه به خوبی درک می‌کند که تحولات سال‌های اخیر، سرآغاز دگرگونی‌های سیاسی در منطقه خاورمیانه هستند. به همین دلیل نیز روسیه در گذار از «غافلگیری»، «اختلاف نظر»، «عدم شفافیت» و «انفعال» که مشخصه‌های نخست سیاست خارجی این کشور در قبال تحولات خاورمیانه بود، به تدریج خود را با شرایط جدید وفق داد و از نظاره‌گری، به بازیگری فعال روی آورد. در این بین ایران از اهمیت زیادی برای روسیه به‌منظور ایجاد موازنه قوا در منطقه خاورمیانه برخوردار است؛ زیرا تعارض منافع و اهداف ایران با کشورهایی همچون عربستان سعودی و ترکیه می‌تواند بلندپروازی‌های منطقه‌ای این کشورها را تا حد زیادی کنترل کند.

به‌طور کلی واقع‌گرایان منافع مشترک را نقطه عزیمت تحلیل خود از شکل‌گیری ائتلاف ایران و روسیه در مسائل خاورمیانه قرار می‌دهند و معتقدند که اشتراک در منافع میان دولت‌ها که مقابله با تهدید را نیز در برمی‌گیرد، به ائتلاف شکل می‌دهد و با تضعیف و از میان رفتن این اشتراکات، ائتلاف‌ها نیز تضعیف شده یا از بین می‌روند. به دیگر سخن ائتلاف‌ها پدیده‌هایی موقتی‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۵۴-۹.
- اشرفی، اکبر و بابازاده، امیرسعید (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه»، مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۶۵-۴۳.
- اصولی، قاسم و رسولی، رؤیا (۱۳۹۲)، «روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها و چالش‌ها»، سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۱، صص ۹۸-۷۱.
- المن، کالین (۱۳۹۴)، واقع‌گرایی، در کتاب نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، به کوشش مارتین گریفیتس، مترجم علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- آنتوشین، الکسی (۱۳۹۵)، «مناسبات روسیه و ایران در خاورمیانه»، ایراس، ۲۴ اسفند ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://iras.ir/images/docs/files/000001/nf00001057-1.pdf>
- برزگر، کیهان (۱۳۹۴)، «روابط ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه و مبارزه با داعش»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه، ۲۵ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <https://www.cmess.ir/Page/View/114/114>
- ترابی، قاسم و محمدیان، علی (۱۳۹۴)، «تبیین سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی ساختاری»، سیاست‌پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴، صص ۹۰-۶۱.
- تقوایی‌نیا، احسان (۱۳۹۶)، «توازن‌بخشی منطقه‌ای، نقش دیپلماتیک روسیه در خاورمیانه»، ایراس، ۲۹ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/3374>
- حسینی، سیده مظهره (۱۳۹۴)، «زمینه‌های اجتماعی حضور داعش در قفقاز و آسیای مرکزی»، ایراس، ۱۷ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/831>
- زهرانی، مصطفی و فرجی لوحه‌سرا، تیمور (۱۳۹۴)، «رویکرد ژئوپلیتیک فدراسیون روسیه در بحران سوریه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۴، صص ۷۰-۴۳.
- سنایی، مهدی (۱۳۹۵)، «امنیت از خاورمیانه تا اوراسیا»، ایراس، ۵ آبان ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/news/2122>
- سهرابی، محمد (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۴۴-۱۱۳.
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «بازی روسیه در خاورمیانه»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۳ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.riss.ir/2017/09>

- شوری، محمود (۱۳۹۴)، «ایران، روسیه و آینده مسئله سوریه»، *روابط خارجی*، شماره ۲۸، صص ۱۷-۱۳.
- صادقی، سید شمس‌الدین و مرادی، سمیرا (۱۳۹۶)، «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۷۰-۱۵۳.
- عسگریان، عباسقلی و تجری، سعید (۱۳۹۶)، «تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه در منطقه قفقاز»، *آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۷، صص ۱۷۳-۱۳۹.
- فیضی، سیروس (۱۳۹۰)، «منطقه نفوذ؛ راهبرد قدرت‌های بزرگ»، *فصلنامه راهبردی جهان اسلام*، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- کرامتی‌نیا، رقیه (۱۳۹۵)، «محوهای مهم دکترین سیاست خارجی روسیه - ۲۰۱۶»، *ایراس*، ۱۳ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/2386>
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۶)، «روابط ایران و روسیه مناسبات جدیدی را در خاورمیانه ایجاد کرده است»، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، *خبرگزاری مهر*، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/3971200>
- کوژانف، نیکولای (۱۳۹۶)، «نگاه‌های روسیه و ایران در باب وضعیت خاورمیانه»، *ایراس*، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://iras.ir/images/docs/files/000003/nf00003172-1.pdf>
- گودرزی، مهناز (۱۳۹۱)، «روسیه و تحولات سوریه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه، ۲۰ آذر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در: <https://www.cmess.ir/Page/View/682/682>
- متقی، ابراهیم؛ پوستینچی، زهره؛ مجردی، سعید و حیات مقدم، امیر (۱۳۹۴)، «عمل‌گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه»، *راهبرد دفاعی*، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۴۷-۱۱۷.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، صادق (۱۳۹۶)، «بازگشت آرامش به خاورمیانه در گرو توازن استراتژیک»، *دیپلماسی ایرانی*، شنبه ۴ آذر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1973366>
- میرمحمدی، سید رضا (۱۳۹۴)، «آسیای مرکزی و قفقاز در معرض تهدید و خطر جدی جریان‌های افراطی و تکفیری»، *ایراس*، ۱۵ مهر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/744>
- نجات، سید علی (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- نجات، سید علی و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، پژوهش‌های سیاسی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۴۹-۲۹.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۵)، «بازدارندگی و ثبات راهبردی در سیاست خارجی روسیه»، *ایراس*، ۲۲ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/3099>
- نوری، علیرضا (۱۳۹۶)، «طراحی روسیه برای دوره پس‌ادعش در سوریه»، ۳۱ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=121909>
- نیاکوئی، امیر و بهمنش، حسین (۱۳۹۴)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، *روابط خارجی*، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۳۵-۹۷.
- والتس، کنث نیل (۱۳۹۴)، «نظریه‌ی سیاست بین‌الملل»، مترجم روح‌الله طالبی آرانی، تهران: نشر مخاطب.
- یوسف، ولادیمیر (۱۳۹۶)، «تهدیدهای مشترک امنیتی ایران و روسیه: زمینه‌های همکاری»، از کتاب «همکاری‌های ایران و روسیه: ابعاد و چشم‌انداز»، تهران، ۱۳۹۵، *ایراس*، ۲۵ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/article/3293>

ب. منابع انگلیسی

- Borshchevshaya, Anna (2016) "*Russia in the Middle East: Motives, Consequences, Prospects*," The Washington Institute, Policy Focus 142, February.
- Clement Therme(2017),"Russia and Iran's growing cooperation hints at a new Middle East,"*Expert Commentary*, 27 March 2017 available at: <https://www.iiss.org/en/expert%20commentary/blogsections/2017-4431/march-196d/russia-and-iran-growing-cooperation-8040>
- Heathwood, Alice(2017), "Russia and Iran's growing cooperation hints at a new Middle East", *the conversation*, March 27, 2017, available at: <http://theconversation.com/russia-and-irans-growing-cooperation-hints-at-a-new-middle-east-75181>
- Henry A. Kissinger (2015), "A Path Out of the Middle East Collapse", *The Wall Street Journal*, Oct. 2015, available at: <https://www.wsj.com/articles/a-path-out-of-the-middle-east-collapse-1445037513>
- Ivanov Et Al. (2014). "*Modern Russian Iranian Relations: Challenges And Opportunities* ", Russian International Affairs Council
- James Dobbins & Irina Zvyagelskaya (2017), "A Roadmap for U.S.-Russia Relations", *Center for Strategic & International Studise*, August 14, 2017. available at: <https://www.csis.org/analysis/roadmap-us-russia-relations>
- James Sladden, Becca Wasser, Ben Connable & Sarah Grand-Clement (2017), "*Russian Strategy in the Middle East* "RAND Corporation 2017, available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE236.html>

- Kozhanov, Nikolay(2015),"Are the Russians and Iranians Friends?", *worldpolicy*, February 6, 2015 - Available at: <http://www.worldpolicy.org/blog/2015/02/06/are-russians-and-iranians-friends>
 - Margelov, Mikhail(2013), "Russia's Vision for the Middle East and North Africa", *Chatham House*, 10 December 2013, available at: http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/home/chatham/public_html/sites/default/files/101213Russia.pdf
 - Mark N. Katz(2017),"Syrian Stew: Trump, Russian-Iranian-Turkish Conflict Resolution Efforts, and the Israeli Factor", *Valdai Club*, 25.02.2017, Available at: <http://valdaiclub.com/a/highlights/syrian-stew-trump-russian-iranian-turkish-conflict/>
 - Mazurova, Nicole, 2016, "Russia's Response to Terrorism: History and Implications for U.S. Policy", *American Security Project* (ASP), available at: <https://www.americansecurityproject.org/wp-content/uploads/2016/10/Ref-0200-Russias-Response-to-Terrorism.pdf>
 - Mcnerney, Michael J, And Davis,Lynn E. (2015),NATO Needs A Comprehensive Strategy For Russiaolga Oliker, *Rand Corporation*.
 - Mohseni, Payam and Others (2015), "Disrupting the Chessboard Perspectives on the Russian Intervention in Syria", *Harvard Kennedy School: Belfer Center for Science and International Affairs*, (Accessed on: 6/9/2016). available at: <http://belfercenter.ksg.harvard.edu>
 - Oppelaar,Iris(2017),"Central Asia and Islamic State: The Russian Connection", *diplomat*, 08, 2017. available at: <http://thediplomat.com/2017/03/central-asia-and-islamic-state-the-russian-connection/>
 - Rossm,Eleanor(2017),"Why Extremist Groups Are Gaining Strength in Central Asia ",*newsweek*, 4/12/17. available at: <http://www.newsweek.com/where-are-central-asia-extremism-578989>
 - Shiping, tang(2008), "from offensive realism to defensive realism: a social evolutionary interpretation of china's security strategy", cornell university press, 2008.
 - Stephen M. Walt (1997) *Why alliances endure or collapse*, Survival:Global Politics and Strategy, 39:1, 156-179, DOI: 10.1080/00396339708442901
 - Vladimir Mikheev(2017), "Iran and Russia draw red lines in the sand as they try to agree on Syria", *RUSSIA BEYOND*, March 28, 2017, available at: http://rbth.com/opinion/2017/03/28/iran-and-russia-draw-red-lines-in-the-sand-as-they-try-to-agree-on-syria_729198
 - Walt, Stephan (1987)), "The Origins of Alliance, Ithaca: Cornell University Press.
 - Walt, S. (1985). *Alliance Formation and the Balance of World Power - JSTOR*. Spring, 1985. Available at:https://www.jstor.org/stable/2538540?seq=1#page_scan_tab_contents
 - Walt, S. M. (1990). *The Origins of Alliance*. Ithaca: Cornell University Press.
- ج. منابع روسی
- Казанцев, Андрей,(2014), д.полит.н, Новые и старые угрозы безопасности в Центральной Азии: вызов для внешней и оборонной политики" России, available at: <http://www.mgimo.ru/news/experts/document262190.phtml>.

